

## دعای برای فرج امام زمان (عج)

«ای جان جان جان جهان های مختلف / ایمان عاشقانه جان های مختلف / ...» شعری که من برای امام زمان (عج) سرودم را کمتر کسی از عاشقان اهل بیت است که نشنیده باشد. اتفاقاً همین چند شب پیش بود که این شعر را در برنامه زنده ای که در اینستاگرم داشتم خواندم و مردم هم لطف داشتند و از آن استقبال کردند. کار دیگری که این روزها از دست مان برنی آید. نمی شود مراسم و جشن های باشکوه را مثل هر سال برگزار کرد و من به دلیل ارادتی که به اهل بیت دارم، تنها توانستم در یک شب شعر مجازی، این غزل را بخوانم که امیدوارم مورد قبول ایشان واقع شود.

روزی که به قول معروف قرچه این غزل در ذهن ام زده شد، کاملاً خاطرم هست. جوان بودم و در دانشگاه امام صادق (ع) درس می خواندم. روزی کنار پنجره ایستاده بودم و از پنجره به از دحام بیرون نگاه می کردم. تصویر این ازدحام مقارن شد با دلنگی خودم و حس کردم باید حرفی بزنم. نتیجه همان حس و حال شد غزلی درباره ایشان. بالاخره من در خانواده ای بزرگ شده ام که عشق به ائمه اطهار در آن موج میزد. کودکی ام در روستای تقی آباد از شهرستان تربت جام گذشت. در روستای ما همه عاشق اهل بیت بودند. خاطرم هست مادرم خیلی درباره رجعت با ما صحبت می کرد. رجعت به این معنا که کسانی که از دنیا رفته اند اگر دلشان با موعود باشد برمی گردند و روزگار خوب ایشان را می بینند و این همان امیدواری است که تمام انسان ها به آن محتاج هستند.



نیمه شعبان در روستای ما پر از شادی بود. مردم روستا با دست هایی پر از شیرینی بر سر مزار رفگان خود می رفتند و با خواندن فاتحه ای، آنها را نیز در شادی این روز شریک می کردند. مردم در این روز به دیدار بزرگ های روستا می رفتند و بعد از دید و بازدید و خوردن شیرینی و شربت همگی با هم به مساجد می رفتند نماز می خواندند و بعد هم یک صدا برای فرج آقا امام زمان در مساجد دعا می خواندند.

نیمه شعبان که میشد بیشتر بزرگترهای روستا و اصلا همه مشغول شستن کوچه و جلوی در خانه هایشان می شدند و هرکسی هم که در خانه گلدانی داشت برای تزئین به کوچه می آورد. هر خانواده به اندازه توانایی مالی اش با میوه و شربت و شیرینی و... از مردم پذیرایی می کرد و هر کسی سعی می کرد سهمی در این جشن داشته باشد. حالا دیگر سالهاست که در روستا زندگی نمی کنم، اما به خوبی می دانم عشق به امام زمان (عج) منحصر به هیچ جای خاصی نیست و تمام شهرها و استان های ایران را در برمی گیرد. در این روز در نقطه به نقطه ایران شور و شعف و شادی است و هرکسی از هر نژاد و قبیله ای به ساحت قطب عالم امکان اردتشان را ابراز می کنند. اگر بخواهم خیلی کلی بگویم ماه شعبان و به خصوص نیمه شعبان از فضیلت و اعمال و آداب مشترکی برخوردار است که در کتب معتبره اسلامی و مفاتیح الجنان از آن به تفصیل نام سخن گفته شده. امسال جشن های نیمه شعبان به دلیل کرونا برگزار نمی شود، اما فرصت خوبی است که هرکسی در خلوت خودش به آقا امام زمان (عج) فکر کند و فرج زود ایشان را از خدا بخواهد.



و رونمایی از تندیس «پالئارات الحسین» برگزار می شود. او ادامه داد: تندیس پالئارات الحسین، نشانی است که در یادبود سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در سالروز شهادت سردار دل ها که جزو ایام... محسوب می شود، به کسانی که بیشترین و کاری ترین ضربه را به جبهه استکبار وارد کرده اند، اعطا می شود.

با برگزاری محفل انس با قرآن و قرائت دعای امام زمان (عجل...) تعالی فرجه)، بدون حضور مخاطب و با پخش از رسانه ملی آغاز می شود. معاون فرهنگی مسجد مقدس جمکران تصریح کرد: در ادامه و پس از اذان مغرب، جشن نیمه شعبان با بخش های متنوع همچون «نرجسانه»، معرفی پیرغلامان مهدوی

### جشن نیمه شعبانی جمکران در رسانه ملی

در پی شیوع ویروس کرونا، برنامه های جمکران در شب نیمه شعبان بدون حضور مخاطب برگزار و از رسانه ملی پخش می شود. حجت الاسلام باسین حسین آبادی در این باره به مهر گفت: با توجه به تعطیلی میعادگاه منتظران در پی شیوع ویروس کرونا، برنامه های جمکران در شب نیمه شعبان از ساعت ۱۸

## چهل سال دیگر...

من يك كت و شلوار فلانل سرمه ای سير پوشيده ام با يك پيراهن سفيد يقه بحرينی... عطر ساواج زده ام و انگشتر عقيق پرتقالی که يابقيه... روی آن کنده شده را دست کرده ام. موهايم کم پشت شده و چهره ام به عدد سال های عمرم خط و خال دارد. زیرزمین خانه ام جایی حوالی خیابان بهار با شریعتی ملك غلغله است. زیر زمین را همان سالی که نقشه اش را می ریختم حسینیة تعریف کرده ام. همان روزی که آمدند برای گودبرداری و بتن ریزی يك نخود تربت ریختم لای شال نجفی ای که سال ها همسفرم بوده توی سفرهای اربعینم و گذاشتمش توی پی همین ساختمان که از اصل و اساس بیالده به نام و راه این خانواده. توی حیاط ریسه های رنگی کشیده اند. نشستام روی يك صندلی لهستانی دم در دولنگه زیرزمین... به مهندس اش گفته ام سعی کند کم ستون باشد.

حسینیة بدی نشده. سیدی روی منبر است و جوان ها مرتب و شاداب با کله هایی سلمانی شده و لباس هایی عیدانه نشسته اند و دل سپرده اند به حرف هایش... دست توی جیب جلیقه ام می کنم. ساعت زنجیردارم را نگاه می اندازم. دلنشوره ملیح شام را دارم. به پسر کم ۴۵ سال دارد و نوه اش که ۱۸ ساله است سفارش های لازم را می کنم... همه چیز مرتب است. شب نیمه شعبان است... مولودی خوانی شروع می شود بالا می گیرد... جوان ها له له می زدند برای این ساعت... کف مرتب ناز قدم های حضرت حجت حیاط را پر کرده... بغض دارد خفهام می کند. این جور گریه ای توی این چند سال نداشته ام... گریه ول کن نیست. از پشت کتیبه دست می کنم. يك چهارپایه تاشو برمی دارم سلانه پله ها را بالا می روم. نعلین های چرمی گردویی ام را می پوشم و طوری که کسی نبیند می خزم زیر سایه بيد مجنونی که شلال گیسوهایش پناه خوبی است برای اشک های آدم خالی شده... یاد سال ۹۹ افتاده ام... سال کرونا... همان سالی که در طول همه عمرم و عمرش جشن میلاد حضرتش برگزار نشد... میلاد او و اجدادش حسین و زین العابدین و علی اکبر و عمویش عباس... همان سالی که کرونا جان بسیاری از رفیق هایم را گرفت و خاطره شدند... توی حیاط دور کلمن های شربت و شیرینی در هیاهوی عطر سیب های توی حوض و اسپند و دشتی و کندر بر خراسته از زغال های سرخ منقل طلاایی رنگ، چند بچه قد و نیم قد دارند از کول موتورسیکلت های توی حیاط پارک شده بالا می روند.

یکی دوتا شان گردن همدیگر را گرفته اند و کشتی می گیرند. یکی شان يك لیوان شربت می ریزد و نصفه اش را به رفیقش تعارف می کند و او بی محابا می گیرد و می نوشد... یاد سال ۹۹ می افتم... همان سالی که بوس و بغل و کشتی ممنوع شد. مثل همه کارهای معمولی دیگر دست دادن ممنوع شد... از يك ظرف شربت نوشیدن ممنوع شد... همان سالی که خیلی ها خاکسترنشین شدند و خیلی ها از آب گل آلود کرونا ماهی ای گرفتند برای روزهای مبادا شان و پماند که ماهی پیشاپیش در آب مرده بود و چرك و خون و جراحت به جان شان نشاناند... شب عیدی دوست ندارم کامشان را تلخ کنم، ولی ای کاش می توانستم میکروفن را بعد از مولودی خوانی بگیرم و به جوان ها بگویم قدر بدانید... ما يك سال... فقط يك سال این تولد را ازمان گرفتند و ۴۰ سال است جای زخمش هنوز چرك می کنند... به جوان ها بگویم آن سال برای ما جهنم بود... راستش دروغ که ندارم. به جوان ها می گویم. برایمان عادی شده بود. خلاصه شده بود توی همین خیابان گردی و شربت و شیرکاکائو خوردن و از تعطیلی اش صفا کردن... به جوان ها بگویم ما نه که قدر ندانستیم، دانستیم ولی شاید کمی اهمال کردیم... کمی برایمان معمولی شده بود... از يك مراسم آیینی و اعتقادی تبدیل شده بود به يك مراسم بخشنامه ای، يك مراسم مردم چی می کن اگه نریم... زیر همان درخت بيد آدم ها را ریسه می کنم... همه آنهایی که آن سال و این سال های تا اکنون را دیگری کنارمان نیستند.

تسبیح شاه مقصود که نه ام را از جیبم درمی آورم. عصایم را تکیه می دهم به تنه بيد... اشک بالا گرفته... رسما دارم هق هق می کنم... نوه ام صدا را شنیده و دنبالم می گردد... صدایم را پایین می آورم... يك دستم به تسبیح است و يك دستم لاله شده به سمت سرشاخه های بيد... دستی به التماس به سمت آسمان... برای همه آنهایی که ارادتی به این آستان داشتند. همه آنهایی که يك بار مادرشان توی هیات يك یا حسین گفته... صلوات ها حالا حباب های روشن و نورانی هستند که از لای شاخه های بيد دانه دانه به آسمان می روند و عجا که نمی ترکند... توی حسینیة هیاهو است... صلوات می فرستم... برای پدر و مادرم... از لای گیسوان بيد می خزم بیرون... وانت غذا دنده عقب آمده توی حیاط... نوشابه ها زیر نور ریسه رنگی ها توی تشت های بزرگ آب یخ برق می زنند. جشن تمام شده... توی حیاط فرش انداخته ایم... چهار خط سفره انداخته ایم. مردم می نشینند. با همان دست های سرخ از دست زدن... می نشینند سر سفره... از دستکش خبری نیست... از ژل ضد عفونی کننده خبری نیست کسی

خوب است، بوی زعفران و شوید و روغن حیوانی حیاط را برداشته... من بغض دارم... تولدتان مبارک آقا جان قبول کن از ما...

**پی نوشت:**

من را ببخشید من فقط کمی بلند فکر کرده ام... خدا کند این قصه اصلا محقق نشود... خدا کند خیلی زودتر از اینها ظهورتان اتفاق بیفتد... حال جهان اصلا خوب نیست آقا جان... جسات را آب دستتان است بگذارید زمین ظهور کنید... همین الانشم دیره...



علی مظاهری

روزنامه نگار

### با محمود حکیمی درباره نیمه شعبان و روزگار ظهور امام زمان (عج) حرف زده ایم

### مردی که جان جهان است

حضرت مهدی (عج) پیام آور مهرورزی و عدالت، کتابی است از محمود حکیمی که بیش از دیگر نویسه هایش مورد توجه مخاطبان واقع شده است، از این رو با ایشان به گفت وگو نشستیم و درباره بزرگه معاصر که هر آن توقع می رود معادلات منطقه مهم خاورمیانه به هم بخورد و نه تنها طبق پیشگویی های موقی بزرگان اسلام بلکه بنا بر برآوردهای سایر ادیان بزرگ جهان بی گمان در دورانی به سر می بریم که از هر زمانی به ظهور عدالت گستران جهان یعنی حضرات مهدی (عج) و عیسی (ع) نزدیک تر هستیم آیا چنانچه آن بزرگه تاریخ ساز را درك کنیم آمادگی پذیرش و همراهی و همکاری با حضرت شان را داریم چگونه باید این آمادگی را در خود به وجود آوریم و به یاری شان بشتابیم و به جای این که بار خاطرشان باشیم یار شاطرشان بوده کمک حالشان گردیم. به گفته محمود حکیمی: «خواستہ خداوند چنین است که زمین از قیام کنندہ ای با حجت و دلیل هرگز خالی نماند تا دلائل و آیات روشن الهی از میان نرود و به فراموشی نگراید و اصالت آموزہ های الهی حفظ گردیدہ جلو خرافہ تحریف و تغییر و بدعت گرفته شود» این البته با آن نگرہ نبوی که امام در زمان غیبت مانند خورشید پس ابر به هستی قبض می رسانند در هماهنگی کامل است زیرا به قول نهج البلاغہ در زمان های فترت، همواره خداوند مجاهدان و دانشمندی را برمی انگیزد تا احکامش تعطیل نشوند و با زنده نگهداشتن پرتو هدایت رهنمای خلق...»



حکیمی با اشاره به خلق آثار فراوانی که در موضوع ولایت و امامت و غیبت وارد شده می افزاید: تاثیر این آثار به گونه ای است که در بینش اسلامی امام دوازدهم جان جهان است و جهان به وجود او پاینده است حضرتشان هسته جهان هستی و واسطه بین آفریدگار و آفرینگان است. اثر روانی این باور که ایشان زنده اند به اعتقاد این نویسنده در روشن نگاه داشتن چراغ امید در دل ها و انگیزه بخشیدن به افراد برای خودسازی و آمادگی داشتن برای آن

قیام بزرگ جهانی نهایت تاثیر را داراست و بی تردید اکنون نیز در رفتار شیعه و آزادگان عدالتخواه تاثیر فراوان دارد.

یکی از نتایج باور به وجود امام زمان (عج) به قول ایشان پاسداری از آیین خداست از پیامبر (ص) (بحارالانوار)

نقل است که در پاسخ این پرسش که آیا جهان (و شیعه) از وجود آن حضرت در زمان غیبت فایده ای می برد؟ فرمودند بلی به پروردگاری که مرا به پیامبری برانگیخت در زمان غیبت از نور ولایتش بهره می گیرند همان گونه که از خورشید پس ابر استفاده می شود.

محمود حکیمی در همین راستا به فرمایش امیر مومنان (ع) درباره لزوم وجود رهبران الهی در حکمت ۱۴۳ نهج البلاغه ابن ابی الحدید اشاره کرد که فرمودند: هرگز زمین از قائمی دارای دلیل خالی نمی ماند خواه آشکار باشد خواه پنهان تا دلائل و اسناد روشن الهی به فراموشی نگراید.

البته شیعیان راستین طبق عقیده ای که به وجود امام زنده دارند خود را تنها نمی بینند و نمی دانند و همین باعث می شود همواره در اوج آمادگی باشند و چنان که در منابع حدیثی نیز آمده هر لحظه مترصد ظهور حضرت و آماده پیوستن به ایشان باشند این مهم را می توان در شماری از بزرگان و برگزیدگان معاصر به عینه مشاهده کرد با نگاهی به سیره شان به زندگینامه شان از آن همه اخلاص و احساس حضور به وجد آمد.

اما آیا در جهان مسیحی و تمدنی که اکنون با روح مسیحی - یهودی خود را چیره بر جهان با دکترین نظم نوین می شمارد باور به موعود چه جایگاهی دارد. جالب است که آنان چنان در این مهم مستغرق اند و دست اندرکار پژوهش و تولیدات آخرا زمانی اند که باعث شگفتی است تولید کتاب و فیلم و انیمیشن هایی که با موضوعات آخرا زمانی برای آماده ساختن جوامع جهت ظهور و درك آن اما چندان با نگره راستین اسلام ناب محمدی هماهنگ نیست اگرچه عیسویت محور تلاش آنهاست اما در سایه صهیونیست جهانی بیشتر به مسخ این راهبرد پرداخته و از همکاران و حامیان و همراهان راستین مسیح و متحد بزرگش مهدی موعود با عنوان آنتی کراست یا ضد مسیح تبلیغ می شود ولی در رسانه ها به طور غیرمستقیم و در منابع دانشگاهی به صراحت و مستقیم.

در حالی که پژوهشکده های مهمی در غرب با محوریت مهدی و امام دوازدهم به کاوش و پژوهش مشغولند و نشر کتاب های برجسته و پایان نامه های دکتری برآمده از آن مراکز تحقیقی جهان تشیع را به شگفتی واداشته و از سوی کشورمان به شماری چند از آن آثار جایزه هایی چونان کتاب سال و غیره اهدا شده مع الاسف در مراکز داخلی جنب و جوش خودانگیخته و به ویژه محوری و هماهنگ و متحد آن چنانی حس نمی شود که بر روند موعودگرایی جهانی و نگره معاصرانه آخرا زمانی تاثیر خاصی بگذارد و به اصلاح مسخ ها و نارسایی ها و دروغ ها و دشمن تراشی های صهیونیست ها نایل شود.

کشور غاصب در دانشکده هایش بر محور مهدویت پژوهش های جامعی انجام داده و مهم ترین ماخذ را در این زمینه گرد آورده به طوری که يك پژوهشگر به خاطر غنا و جامعیت کتابخانه های تخصصی فلسطینی اشغالی ناچار از مراجعه به آنان است؛ اما جالب است که نگره آنها بر مسخ چهره مهدویت متمرکز است و ایشان را ضد مسیح و دشمن تمدن مسیحی - یهودی معرفی می کنند برای مقابله با این هجمه جهانی به روح تپنده شیعه بی شک باید دست به کار تحقیق و تولید نوشتن و نشر در ابعاد جهانی شد و به حرکت های پراکنده محققان معاصر وحدت و انسجام و جهت بخشید و در سال جهش تولید با جهش در تولید علم بر دکترین مهدویت و نگره نارسای جاری در جهان تاثیر مثبت و اصلاحرا گذاشت. این که افضل عبادات انتظار

فرج است دقیقا به این معنا ست که در زمانه خود بر جریان جاری در نگره ها تاثیر

بگذاریم و منفعلانه عمل نکنیم و با آمادگی علمی و عملی هر لحظه آماده

یاری رساندن به جریان عدالتخواهی باشیم که جهان هستی را به سرمزل

شکوفایی و سعادت می رساند در حالی که دشمنان مهدویت هر لحظه

می کوشند و طرح و برنامه های متعدد دارند پیروان راستین ایشان

نباید از قافله انتظار و زمینه سازی ظهور عقب بمانند.